

# انتقال فرهنگ

## روند انتقال باغ ایرانی به هند



دکتر وحید حیدر نجاج، معماری، استاد پارک و معماری، دانشگاه مازندران.  
V.nattaj@yahoo.com

**چکیده:** باغ ایرانی به گواهی تاریخ از قدیمی ترین شیوه‌های منظرسازی بوده که حاصل تعامل فرهنگی، تاریخی و اقلیمی انسان و طبیعت است و توانسته به بهترین شیوه به آراستن فضاهای انسانی بپردازد. سرزمین ایران به عنوان خاستگاه جغرافیایی این هنر عظیم در مسیر توسعه خود و در دوران مختلف تاریخی گونه‌های مختلف باغ را از لحاظ کارکردی و کالبدی خلق کرده است. باغ ایرانی در طول تاریخ حیات خود سرمشق و الگویی برای باغ‌سازی بسیاری از سرزمین‌های دیگر بوده است. از بین گونه‌های مختلف باغ ایرانی به اقتضای ویژگی‌های سرزمینی کشور مقصد، گونه‌های خاصی به آن سرزمین‌ها برده شده‌اند که با برخورداری از اصول مشترک می‌توان آنها را در زیرگروه باغ ایرانی جای داد.

هندوستان از جمله سرزمین‌هایی است که هنر ایرانی از جمله باغ‌سازی در آن رسوخ کرده به طوری که باغ ایرانی برگیره بسیاری از باغ‌های منتسب به پهنه فرهنگی هندوستان است. این مقاله با روش تاریخی و توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای و با بررسی نمونه موردی، روند راه‌یابی الگوهای اصیل باغ ایرانی به سرزمین هند را بررسی کرده و با شناسایی ویژگی‌های باغ‌های احداثی بابر به عنوان حلقه اتصال باغ‌های ایرانی و باغ‌های هندی (از جمله باغ بابر در کابل)، به ذکر اشتراکات و افتراقات باغ‌های دو منطقه پرداخته است.

### واژگان کلیدی: باغ ایرانی، باغ‌های هند، بابر شاه، باغ بابر، چارباغ.

#### مقدمه

باغ انعکاس فرهنگ و تخیل انسان در پرداختن به طبیعت است که علاوه بر ذوق، سلیقه و مهارت انسان، فرهنگ، جغرافیا و تاریخ در شکل‌گیری آن نقش اساسی دارند. در ایران باستان واژه pairidaeza به معنای (محوطه محصور) به باغ اطلاق می‌شده است (لغت‌نامه دهخدا). این واژه که به صورت paradises به زبان یونانی راه یافته و از آن زبان به معنای بهشت به زبان‌های اروپایی چون فرانسوی و انگلیسی وارد شده است، در زبان فارسی به شکل پردیس و در عربی به صورت فردوس باقی مانده است (پروشانی، ۱۳۷۳). این امر نشانگر انتقال هنر باغ ایرانی از واژه تا مفهوم و در نهایت کالبد باغ به سرزمین‌های دیگر است.

علاوه بر انتقال واژه پارادایز به زبان‌های دیگر، پدیده باغ ایرانی به گواهی «ویسل دوران» مورد تقلید بسیاری از سرزمین‌های همسایه قرار گرفت. وی در تاریخ تمدن می‌نویسد: باغ به سبک ایرانی مورد تقلید سایر ملل قرار گرفته، در بین مسلمین و اعراب و در هندوستان رواج پیدا کرده و در قرون وسطی موجب الهام اروپاییان شده است؛ مانند کاخ الحمرا در اسپانیا، ورسای در فرانسه، تاج محل در هندوستان و آثار به جای مانده از باغ‌های معلق بابل در عراق کنونی. پس از آنکه باغ ایرانی توسط تیمور، در شهر سمرقند توسعه پیدا کرد، مورد توجه نوادگان وی (گورکانیان) قرار گرفت و به هندوستان منتقل شد. شیوه خاصی از باغ ایرانی مورد توجه تیمور و نوادگانش از جمله بابر قرار گرفت و در آن منطقه گسترش پیدا کرد. این شیوه در عین وفاداری به اصول باغ ایرانی و وجود ویژگی‌های مشترک، تفاوت‌هایی اندک با آن دارد که خاص فرهنگ و اقلیم آن منطقه است. این مقاله به بررسی تاریخی انتقال فرهنگی از ایران به هند و تحلیل یکی از نمونه‌های اولیه

باغ‌های گورکانیان به نام باغ بابر که به دست بابر (پایه‌گذار سلسله گورکانیان هند) در کابل احداث شده است، می‌پردازد.

#### فرضیه

باغ‌های هندی با اندکی تفاوت که حاصل ویژگی‌های سرزمینی است، ریشه در باغ‌های ایرانی دارند. در این میان باغ‌های احداثی بابر حلقه اصلی بین باغ‌های ایران و هند بوده است.

#### باغ‌های تیموری

شناخت باغ‌های تیموری در سمرقند از آن جهت دارای اهمیت است که آغازگر شیوه‌ای از باغ‌سازی بوده که مبتنی بر ویژگی‌های باغ‌های ایرانی پیش از اسلام و اوایل اسلام است و در عین حال سرمشقی برای صدور باغ به سرزمین هند محسوب می‌شود. از آنجا که باغ ایرانی به خوبی نیازهای تیمور را بر آورده می‌کرد، برای او جذابیت زیادی داشت. گزارش کلاویخو (وزیر دربار هانری سوم) به عنوان نسخه‌ای موجود از شرح و تفسیر سمرقند، منبع بسیار ارزشمندی در این رابطه تلقی می‌شود. سفرا باغ نور که به تازگی بنا نهاده شده بود زیباترین باغ‌های می‌دانستند. در شرح این باغ در گزارش کلاویخو چنین آمده است: "این باغ میوه مربع شکل با دیوارهایی بلند محصور شده بود و در هر گوشه آن برج بلندی قرار داشت. در مرکز باغ میوه، کوشک بزرگی روی پلانی مربع شکل بنا شده بود و در مقابل آن حوض آب بسیار وسیعی ساخته شده بود (تصویر ۱). کوشک با آن باغ بزرگ، زیباترین باغی بود که تا به حال دیده‌ایم..." (۱۳۶۶:۱۰۶). کلاویخو حصار باغ را تقریباً ۳/۸ کیلومتر تخمین می‌زند و در میان حصار از درختان لیمو نام می‌برد که چندان پر محصول نبودند. "چهارباغ به تاکستانی نسبتاً وسیع که دیواره‌های آن درختان سایه‌انداز بودند منتهی می‌شد. باغ

یک جوی آب مرکزی داشت که با عبور از شش حوض بزرگ به اندازه شش سطح کاهش ارتفاع پیدا می‌کرد. مسیرها دارای کف پوشی مناسب بودند و با ردیف درختان تعریف می‌شدند" (همان: ۱۰۸)؛ (تصویر ۲).

می‌توان سه عامل را سبب شکل‌گیری سبک خاصی از باغ‌سازی به نام باغ‌سازی سمرقند شناسایی کرد:

۱. تأثیر پذیری از باغ‌های ایرانی؛
۲. شیوه زندگی تیمور (پیشینه زندگی در چادر و استفاده از مناظر اطراف در چهار سوی آن)؛
۳. احساس تسلط بر چهار گوشه جهان (نشستن در کوشک مرکزی باغ بر روی تپه مصنوعی و اشراف به چهار طرف) (حیدر نجاج، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۲).

#### بابر شاه و الگوی باغ ایرانی

بابر (۱۵۳۰-۱۴۸۳ م) از نوادگان چنگیز خان و تیمورلنگ، امپراتوری مغول (گورکانیان) را در هند تأسیس کرد و با توجه به تصویری که از باغ‌های سمرقند در ذهن داشت، باغ‌سازی در کابل را آغاز کرد. "بابر زمانی که وارد سمرقند شد بسیار جوان بود و از دیدن این شهر شگفت‌زده شد. او عناصری مانند حصارهای بلند و تقسیم‌بندی‌های منظم همراه با ترازبندی‌ها، محورها، نهرهای اصلی و عمارت کلاه فرنگی را به قصر-باغ‌ها افزود" (زانگری، ۱۳۹۱: ۳۶۷).

امپراتوری مغول که بابر مؤسس آن بود، تبدیل به یک سلسله از باغ‌سازها شد، به طوری که فرزندان و نوادگان وی در هندوستان باغ‌های عظیمی احداث کردند. تراس‌بندی شیب‌ها از ویژگی‌های باغ‌های بابر محسوب می‌شود و تا حد زیادی از عناصر معماری مرتبط با آب مانند حوض آب ساکن، جوی آب و حتی فواره در طرح‌ریزی باغ استفاده شده است. بخش بزرگی از خاطرات بابر در بابرنامه اختصاص به ضبط

محمصور زندگی می کنند. عده‌ای از آنان نیز در بیرون شهر باغی با ساختمان مسکونی یا بدون آن دارند و روزهای آخر هفته و ایام تعطیل به آنجا می‌روند (پروشانی، ۱۳۷۳).

اخلاف مغول که در هرات و کابل حکومت کردند، سنت فرهنگی تازه‌ای پدید آوردند که از باغ‌های قبلی تأثیر گرفته و بر باغ‌های بعدی همه‌نواحی ایران و هند تأثیر گذاشت. به نظر می‌آید توصیف چارباغ در ارشادالزراعه در قرن دهم هجری الگو و خط مشی دیگری در طراحی باغ‌های بابر شاه بوده باشد. در باغ‌های برگرفته از باغ‌های تیموری بیشتر از واژه چارباغ استفاده می‌شد و همان‌طور که از توصیف باغ‌های بابر برمی‌آید چارباغ‌ها به باغ‌های وسیع خارج شهری و باغ‌های تراس‌بندی شده اطلاق می‌شده است. علت این امر شاید به دلیل نقل مکان نویسنده کتاب ارشادالزراعه به هند باشد. میرک سید غیاث (باغ‌ساز معروف ایرانی) پس از سقوط تیموریان به بخارا رفت و الگوی چارباغ را به ماوراءالنهر برد. او در سال ۹۳۵ ق. به هندوستان و دربار ظهیرالدین بابر گورکانی رفت و این شیوه باغسازی را در آنجا نیز رواج داد (او سابلتنی، ۱۳۸۷). در شرح طرح چارباغ در این کتاب آمده: "طرح آن است که گرد چارباغ را از پای دیوار سه ذرع گذاشته بعد از آن یک ذرع جوی سازند و... و بعد از آن میانه راست شاه‌جوی گذاشته، آب را به حوض که رو به عمارت است آورند و کناره آن همیشه بهار و سوسن و خنجری باشد..." (هروی، ۱۳۴۶). این متن حاکی از وجود یک نهر اصلی است که در انتها به حوض جلوی عمارت می‌رسد. تلاش‌های صورت گرفته برای بازسازی چارباغ توصیفی ارشادالزراعه نیز بر این امر دلالت دارد. این الگو کاملاً با الگوی باغ-تخت ایرانی سازگار است، نه الگوی چهاربخشی (تصویر ۳). لذا گونه‌ای خاص از باغ ایرانی به نام چارباغ که در هند توسعه پیدا می‌کند و همچنین نمونه‌های به جامانده از باغ‌های هندوستان نشان می‌دهد چارباغ، باغی چهاربخشی با دو محور اصلی عمود بر هم نبوده است. این باغ‌ها یادآور هر دو گونه از باغ‌های ایرانی است. دسته اول باغ‌هایی که بدون تراس‌بندی با تقسیمات چهاربخشی احداث شده‌اند مانند تاج محل و دسته دوم باغ‌هایی که بر شیب احداث شده‌اند مانند باغ بابر، که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد (تصویر ۴).

### باغ بابر

بابر وصیت کرد و او را در یکی از باغ‌های کابل به خاک بسپارند. در پادشاهنامه نام ده باغ ذکر شده که در زمان بازدید شاه‌جهان در ۱۰۴۸ ه.ق. از کابل در آنجا دایر بوده است و درباره دستورهایی که وی برای آراستن محل آرامگاه بابر داده شرحی آورده شده، اما نام باغ مشخص نیست. در این گزارش این باغ پلکانی به طول حدود پانصد متر در پانزده طبقه به فاصله سی متری از یکدیگر وصف شده است. دوازده آبشار به درون حوض‌های مرمربی طبقات نهم و دهم و مدخل باغ در پایین سرایشی، سرازیر بوده است. این وصف با هیئت کنونی باغ بابر راست می‌آید (پروشانی، ۱۳۷۳).

تصاویر نشان می‌دهند هندسه باغ بابر همچون باغ‌های ایرانی منظم و مستقیم‌الخطوط و دارای محوری اصلی در راستای شیب زمین است. یکی از ویژگی‌های اصیل باغ در ایران تراس‌بندی زمین در سطوح ناهموار است به طوری که هیچ‌گاه کرت‌های باغ شیب ندارند؛ این ویژگی در باغ بابر نیز دیده می‌شود. «جیمز اتکینسون» در ۱۸۴۲ م. در توصیف باغ بابر می‌گوید: "این مسیر از مسجد تا مقبره کمی شیب‌دار و صخره‌ای است و چشم‌اندازی به روی دره قلعه قاضی دارد. این فاصله حدوداً صد یاردی به سطوح متعددی با پهنای نزدیک به بیست فوت برای ایجاد آبشارهای کوچک تقسیم شده است" (زانگری، ۱۳۹۱: ۲۴۹)؛ (تصویر ۵).

یکی از گونه‌های باغ در ایران از لحاظ عملکرد، باغ - مقبره

فعالیت‌های اوقات فراغت وی دارد. هرچا او اقامت می‌کرد باغی ساخته می‌شد. وی در بابرنامه طرح باغ‌ها را شرح داده است. برای نمونه: "در سال ۱۵۰۹-۱۵۰۸ م. من یک چارباغ به نام باغ وفا در ارتفاعات جنوبی قلعه آدریان‌پور، مشرف به رودخانه‌ای که بین قلعه و باغ جریان پیدا می‌کند، ساختم" (Turner, 2005: 148). توصیف بابر حاکی از احداث باغ به صورت شیب‌دار است که از باغ تخت‌های ایرانی یا چارباغ<sup>۱</sup> توصیفی هروی در ارشادالزراعه الهام گرفته شده است؛ "بابر قبایل ترکی و مغولی را در ارتش به کار گماشت ولی از ایرانیان به عنوان مدیران غیر نظامی بهره گرفت. فرهنگ و زبان فارسی - به عنوان زبان رسمی در هند - تا زمانی که با انگلیسی و هندی جایگزین شود باقی مانده است" (Ibid: 147). بابر هند را پیش از حد گرم، صاف و نامناسب برای چارباغ<sup>۲</sup> دید. "او توضیح می‌دهد چگونه او یک باغ بر روی رودخانه جمننا در آگرا ساخته است. علی‌رغم زمینه بسیار نامناسب و ناپسند، وی رویای خود را در ساخت چارباغ عملی کرد؛ بنابر این در شرایط نامناسب هند باغ‌های منظم و هندسی احداث شد" (Ibid: 150). تمایلات بابر برای زندگی کوچ‌نشینی در طبیعت باعث می‌شد او نیز همانند تیمور، زندگی در چارباغ را به گذراندن اوقات در یک قصر محدود و سر بسته ترجیح دهد. الگوی باغ ایرانی در سده دهم هجری به وسیله بابر شاه فرمانروای مغولی هند به هندوستان راه یافته است (تیتلی، ۱۳۶۵: ۱۴). باغ‌های بابر در هندوستان نیز به تاسی از باغ‌های ایرانی در زمین‌های شیب‌دار تراس‌بندی شده و تحت تأثیر آب‌راه محوری، تقارن بسیار قوی داشتند.

بابر در شهر کابل به عنوان اقامتگاه اصلی اش خود، به باغ‌سازی پرداخت. باغ در نظر ساکنان این سرزمین، جزء لاینفک فرهنگ آنان بود. ثروتمندان اغلب در خانه باغ‌های

تصویر ۲: بازسازی تصویری چارباغ توصیفی کلاویجو، مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۲.

Pic 2: Image reconstruction of Charbahg that qualified by Clavijo. Source: Author, 2013.

تصویر ۴: پلان باغ بابر. تراس‌بندی زمین شیب‌دار، آب‌نما و بنای اصلی در انتهای مسیر در طرح باغ مشاهده می‌شود. مأخذ: www.raumarchitektur.com

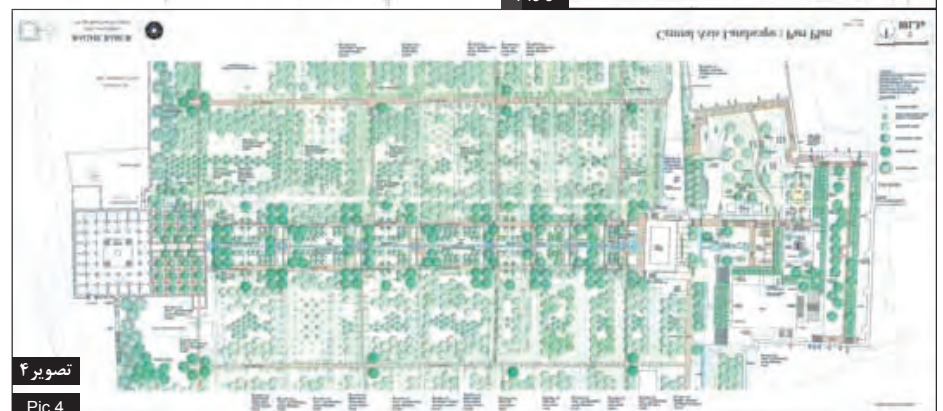
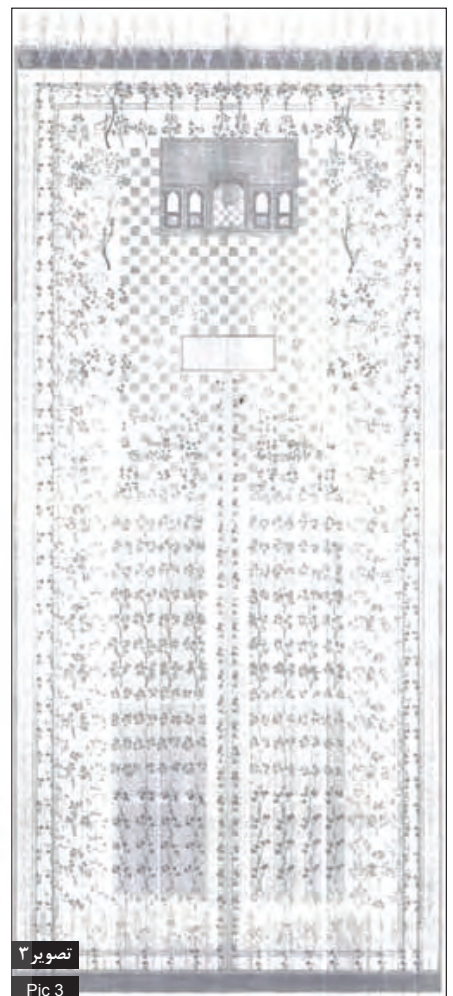
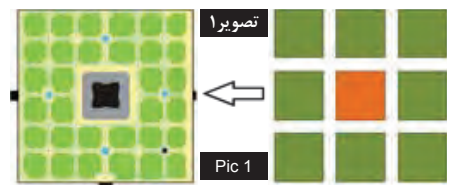
Pic 4: Babur garden; terraces, fountain, palace at the end of path. Source: www.raumarchitektur.com

تصویر ۱: باغ نه‌بخشی گل سرخ، وجود تپه مرکزی و تأثیر الگو در طراحی باغ - مقبره همایون. مأخذ: نتاج براساس تصویر ویلبر، ۱۳۴۸: ۷۹.

Pic 1: The Nine fold garden of Gol-e sorkh, Central hill and pattern influence to designing of Homayon garden. Source: Nattaj based on Wilber, 1968: 79.

تصویر ۳: نقشه بازسازی شده چارباغ توصیفی ارشاد الزراعه، مأخذ: Alemi, 1986: 44.

Pic 3: Image reconstruction of Charbahg that qualified by Heravi. Source: Alemi, 1986: 44.



گونه‌های خاص از باغ ایرانی که به نام چارباغ در هند توسعه پیدا می‌کند، صرفاً یک باغ چهاربخشی با دو محور اصلی عمود بر هم نبوده است. این باغ‌ها بادآور هر دو گونه باغ‌های ایرانی است. اول، باغ‌هایی که بدون تراس بندی با تقسیمات چهاربخشی احداث شده‌اند، مانند تاج محل و دوم، باغ‌هایی که روی شیب احداث شده‌اند، مانند باغ بابر.

جدول ۱. شباهت‌ها و تفاوت‌های باغ بابر با الگوی باغ ایرانی، مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۲.

Table 1. Resemblance and differences between Babor garden and Persian garden, Source: author, 2013.

تصویر ۵: تصویر هوایی باغ بابر، وجود محور اصلی، هندسه منظم و باغ محصور، تراس بندی زمین باغ در سطح شیب دار همانند الگوی باغ - تخت ایرانی. مأخذ: www.panoramio.com

Pic 5: Aerial image of garden; main path, regular geometry, enclosed garden, terracing land like pattern of Persian Baghtakht. Source: www.panoramio.com

تصویر ۶: محور اصلی باغ، مقبره به عنوان بنای اصلی در بالاترین بخش باغ دیده می‌شود. مأخذ: www.panoramio.com

Pic 6: Main axis of garden, tomb as main building at the highest part of the garden. Source: www.panoramio.com

تصویر ۷: محور اصلی باغ از بالا به سمت سر در باغ بابر، مأخذ: www.thevelvetrocket.com

Pic 7: Main axis of garden; above the entrance of Babor garden. Source: www.thevelvetrocket.com

تصویر ۸: جوی آب محوری باغ بابر، مأخذ: www.raumarchitektur.com

Pic 8: The central fountain of Babor garden. Source: www.raumarchitektur.com

تصویر ۹: میان کرت با پوشش گیاهی، مأخذ: www.panoramio.com

Pic 9: Central Crete with plants. Source: www.panoramio.com

• حیدرنتاج، وحید. (۱۳۸۹). هنجار شکل‌یابی باغ ایرانی؛ با تأکید بر نمونه‌های عصر صفوی کرانه جنوبی دریای خزر، نمونه‌های موردی: باغ‌های بهشهر. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه تهران.  
• زانگری، لوتیچی. (۱۳۹۱). باغ‌های ایرانی - اسلامی. ترجمه: مجید راسخی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.  
• کلاویخو، گزاس. (۱۳۶۶). سفرنامه کلاویخو. ترجمه: مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.  
• لغت‌نامه دهخدا قابل دسترسی در: <http://www.loghatnaameh.org> (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۲/۸/۲۶)  
• هروی، فاسم‌بن یوسف. (۱۳۴۶). ارشادالزرع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
• ویلیسر، دونالد. (۱۳۴۸). باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن. ترجمه: مهین‌دخت صبا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

باغ	باغ ایرانی	باغ بابر
ویژگی	انواع گونه‌های کالبدی و کارکردی	باغ - مقبره
گونه‌شناسی		باغ - تخت (چهارباغ ارشادالزرع)
ساختار	محور اصلی (هندسه منظم) تقارن بصری تراس بندی زمین شیب‌دار	محور اصلی (هندسه منظم) تقارن محوری کالبد باغ تراس بندی زمین شیب‌دار
دید و منظر	پرسپکتیو عمیق محور دید باز در میان کورت	ضعف در پرسپکتیو محور (عدم محصوریت با درخت)
آب	حضور آب در محور اصلی دید نزدیک به آب با تعبیه مسیر در حاشیه	حضور آب در محور اصلی عدم الزام در دید نزدیک به آب
پوشش گیاهی	پوشش گیاهی کوتاه در میان کورت درختان سایه‌انداز در حاشیه مسیر	عدم هماهنگی هندسه درخت کاری با هندسه باغ عدم وجود درختان سایه‌انداز در حاشیه مسیر سد دید در میان کورت با درختان بلند
اینپه	بنای اصلی (کوشک) در بالای باغ محصوریت باغ	بنای اصلی (مقبره) در بالای باغ محصوریت باغ



تصویر ۵

Pic 5



تصویر ۶

Pic 6

است، که پیشینه آن در ایران به باغ - مقبره کوروش برمی‌گردد. به نظر می‌آید تقدس فضای باغ ایرانی ریشه در معابد عیلامیان دارد که به عنوان یک آیین در سنت باغ‌سازی ماندگار شد (حیدرنتاج، ۱۳۸۹). باغ در نظر هندیان فضایی مقدس بود و باغ‌مقبره در هند نیز رونق داشت. باغ بابر، مکان مقدسی است که علاوه بر آرامگاه بابر مقبره چندین نوه و نتیجه او نیز هست. این باغ از این جهت که در فاصله زمانی بین ساخت باغ تیمور در سمرقند و باغ‌های شاه عباس در ایران (یک قرن بعد آن) احداث شده است، اهمیت زیادی دارد (زانگری، ۱۳۹۱: ۳۶۷). دید و منظر در محور اصلی باغ ایرانی حائز اهمیت بسیاری است. محور مستقیمی که از سردر باغ شروع و به بنای اصلی ختم می‌شود، پرسپکتیو عمیقی ایجاد می‌کند (تصویر ۶). محور اصلی گاه به صورت یک میانکرت درمی‌آید که با آب‌نمای وسیع یا پوشش گیاهی کوتاه قامتی را شامل می‌شود (تصویر ۷). در حاشیه این محور درختان بی‌بر تنه‌ترین کاشته می‌شود. اما تفاوتی که در باغ بابر دیده می‌شود حضور درخت در میان کورت و عدم حضور منظم درختان سایه‌انداز در حاشیه محور اصلی است (تصویر ۸).

در باغ ایرانی هر جا آب حضور دارد در حاشیه آن مسیری برای حضور انسان تعبیه می‌شود ولی در باغ بابر و بعدها باغ‌های هندی این اصل در همه موارد رعایت نمی‌شود بلکه مسیر آب در دل چمن قرار می‌گیرد (تصویر ۹).

### جمع بندی و نتیجه گیری

باغ ایرانی به دلیل برخورداری از پشتوانه قوی و ایجاد ارتباط مناسب بین انسان و طبیعت، در طول تاریخ مورد توجه سرزمین‌های بسیاری از جمله هندوستان قرار گرفته است. روند انتقال هنر باغ‌سازی ایرانی به هند از دو طریق بوده است: ۱. از طریق بابر مؤسس سلسله گورکانیان که در جوانی در شهر سمرقند روزگار سپری می‌کرد. وی باغ‌های متعددی در کابل به تأسی از سمرقند (چارباغ‌های وسیع با اشکال مختلف چهاربخشی، نه‌بخشی و باغ - تخت) احداث کرد. فرزندان و نوادگان وی نیز در هندوستان این هنر را توسعه دادند. ۲. از طریق نقل مکان نویسنده کتاب ارشادالزرع در زمان بابر به هندوستان که سبب انتقال این هنر و واژه چارباغ به آن سرزمین شده است. چارباغ توصیفی کتاب، باغی صرفاً چهاربخشی نبوده است؛ از این رو شاهد ایجاد الگوهایی در آن سرزمین هستیم که شباهت بسیاری با الگوی باغ - تخت ایرانی دارد. باغ بابر در کابل به عنوان یکی از باغ‌های احداثی بابر شاه که بعد از وی به صورت باغ - مقبره درآمده است دارای ویژگی‌های مشترک با باغ ایرانی است و الگوی بسیاری از باغ‌های بعد از خود در هندوستان بوده است؛ جدول ۱ شباهت‌ها و تفاوت‌های این باغ را با ویژگی‌های اصیل باغ ایرانی بیان می‌کند:

### پی‌نوشت

۱. البته در هند باغ‌های چهاربخشی نیز وجود دارد که به چارباغ معروفند. در هند عموماً باغ‌ها به چهارباغ موسوم بوده‌اند و واژه چارباغ صرفاً مبین شکل باغ نبوده است.  
۲. این توصیف مبین این نکته است که منظور بابر از چارباغ باغی مشابه باغ - تخت‌های ایرانی است.

### فهرست منابع

• اواسابتلی، ماریاوا. (۱۳۸۷). باغ ایرانی: واقعیت و خیال گلستان هنر، (۱۲): ۲۹-۱۶.  
• پروشانی، ایرج. (۱۳۷۳). باغ (۱). دانشنامه جهان اسلام. قابل دسترسی در: [www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=4560](http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=4560) (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۲/۷/۹).  
• پروشانی، ایرج. (۱۳۷۳). باغ (۳). دانشنامه جهان اسلام. قابل دسترسی در: [www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=4562](http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=4562) (تاریخ مراجعه: ۱۳۹۲/۷/۹).  
• تیتلی، نورا ام. (۱۳۶۵). گیاهان و باغ‌ها در هنر ایران. ترجمه: کلود کرباسی. نشریه موزه‌ها، (۷): ۱۷-۹.  
• حیدرنتاج، وحید. (۱۳۸۸). باغ‌های سمرقند. مجله منظر، (۱۱): ۱۳-۱۰.

# Cultural Transmission

## Process of Persian Garden Transmission to India

Vahid Heidar Nattaj, Assistant Professor, University of Mazandaran, Iran.  
V.nattaj@yahoo.com

**Abstract:** Historically, Persian garden benefited from the earliest landscape and environment arrangements designed for humans as a cultural, historic and geographic interaction of human and nature. Persia is considered as the geographic origin of this remarkable type of art. Persian garden has developed different types of function and form throughout history; and maintained a basis in Persian culture. Persian garden has been the sample of gardening in many other lands throughout history; the specific types of the Persian gardens were developed in these lands which took place as subgroup of Persian garden.

Owing to multiple differences in cultural and architectural history of other countries; specific features of the Persian garden was more prominent and more developed in those areas. India is one of the territories that Persian garden is considered as a sample for many of Hindi gardens. In this paper, historical method and case studies are studied as a transfer process of original

pattern of Persian garden to India. This paper shows that gardens built up by Babur link Persian and Hindi gardens; BABUR garden in Kabul is the case study of this paper whose characteristics is compared with Persian garden.

**Keywords:** Persian garden, Hindi gardens, Babur the king, Babur garden, Charbagh.

### Reference list

- Alemi, Mahvash. (1986). Chahar bagh, Design. *Journal of the Islamic Environmental Design Research Centre*, 44: 38-45.
- De ClaviJo, G. (1987). Clavijo Embassy to Tamerlane. Translated from the English by Rajab nia, M. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Dehkhoda Dictionary. Available from: <http://www.loghatnaameh.org> (accessed 12 November 2013).
- Eva Subtelni, M. (2008). Persian garden: Reality and fantasy. Translated from English to Persian by Davood Tabai. *Golestan-e honar magazine*, 12: 16-29.
- Heidar Nattaj, V. (2009). The Gardens of Samarqand. *Journal of MANZAR*, 1(1): 10-13.
- Heidar Nattaj, V. (2010). *The Formation Norm of*

*Iranian Garden on the basis of Safavid Samples in the Southern Coast of Caspian Sea; the Case Study: Gardens in Behshahr*. Unpublished doctoral dissertation. Tehran: university of Tehran.

- Heravi, Gh. (1967). *Agriculture Directory*. Tehran: University of Tehran Publications.
- Moynihan, E. (1982). *Paradise as a Garden in Iran and Mughal India*. London: Scholar Press.
- Proshani, I. (1994). Bagh(3). *Encyclopedia of the Islamic World*. Available from: [www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=4562](http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=4562). (accessed 1 October 2013).
- Proshani, I. (1994). Bagh(1). *Encyclopedia of the Islamic World*. Available from: [www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=4560](http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=4560) (accessed 1 October 2013).
- Titli, N. M. (1986). Plants and Gardens in Persian art. Translated from the English by Karbasi, K. *Mooze-ha [museums] magazine*, 7: 9-17.
- Turner, T. (2005). *Garden History: Philosophy and Design 2000 BC–2000 AD*. New York: Spon Press.
- Wilber, D. (1968). *Persian gardens and garden pavilions*. Translated from the English by Saba, M. Tehran: Translation and publication board.
- Zangher, Luigi. (2012). *Persian-Islamic Gardens*. Translated from the English by Rasekhi, M. Tehran: Office of Cultural Research Publications.

تصویر ۸

Pic 8



تصویر ۷

Pic 7



تصویر ۹

Pic 9

